

ابومخنف و بررسی اسنادی و محتوایی اثر او «مقتل الحسین علیه السلام»

قاسم بستانی^۱

حنان علویان^۲

چکیده

ابومخنف لوط بن یحیی یکی از برجسته‌ترین اخباریان (مورخان) قرن اول هجری و محدثان احادیث تاریخی است. نام او به سبب تالیف آثار مربوط به عراق، تداعی گر مسائلی همچون جنگ جمل، صفین، واقعه کربلا، قیام مختار و... است. همچنین یکی از مهم‌ترین آثار ابومخنف *مقتل الحسین - علیه السلام* است که مورد توجه محافل علمی متقدمان و متأخران بوده است.

در این مقاله تلاش می‌شود علاوه بر معرفی شخصیت ابومخنف از جنبه‌های مختلف، این اثر تاریخی بسیار مهم در ابعاد متفاوت آن - که نقش بسیار مهمی در بیان یکی از غمناک‌ترین حوادث تاریخی صدر اسلام دارد - بررسی شود تا اعتبار ابومخنف و نیز ارزش علمی اثر او *مقتل الحسین - علیه السلام* - هر چه بیشتر روشن گردد.

کلید واژه‌ها: ابومخنف، *مقتل الحسین - علیه السلام*، اسناد *مقتل الحسین*، محتوای *مقتل الحسین*.

درآمد

سنت مقتل نویسی، یعنی گزارش حوادث و وقایعی که به مرگ و کشته شدن یک شخص یا گروه منجر شده است، جایگاه ویژه‌ای در منابع اسلامی دارد و از موضوعاتی است که بیشترین توجه تاریخ نگاران و محدثان را به خود جلب کرده است؛ مثل مقتل عمر بن خطاب، مقتل عثمان بن عفان، مقتل علی بن ابی طالب - علیه السلام - و... در این بین

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز و مدرس دانشگاه پیام نور بندر امام خمینی (ره).

این بین هیچ موضوعی به اندازه شهادت امام حسین - علیه السلام - مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است.

بیشتر مقاتلی که در باره امام حسین - علیه السلام - نوشته شده اند، امروزه در دسترس نیستند؛ آثاری مانند *مقتل ابی عبد الله از اصبع بن نباته، مقتل الحسین - علیه السلام - از جابر بن یزید جعفی، مقتل الحسین - علیه السلام - از محمد بن حسن طوسی، مقتل ابی عبد الله - علیه السلام - از نصر بن مزاحم.*

از بارزترین آثار در این زمینه *مقتل ابو مخنف* است. از ویژگی های این اثر - که ذیل حوادث سال ۶۱ در *تاریخ الطبری* ثبت شده است - نقل سند به روش محدثان و مقبولیت متن آن است. با تحلیل سند *مقتل* به روش محدثان و نیز تحلیل متن به بررسی ابعاد اهمیت این اثر پرداخته خواهد شد.

مختصری در باره ابو مخنف

او لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سعد مناة بن غامد ازدی است.^۳ وفات او را ۱۵۷ق،^۴ یا پیش از ۱۷۰ق، گفته اند.^۵

جد اعلای او «مخنف بن سلیم» صحابی پیامبر - صلی الله علیه و آله - است^۶ و نامش در میان صحابیان شیعه ذکر شده است.^۷ برخی او را شیعی مذهب دانسته اند.^۸ برخی دیگر نیز او را سنی مذهب می دانند؛^۹ هر چند که هیچ یک برای این ابراز عقیده ادله مناسبی را ارائه نکرده اند. وی آثار متعددی دارد^{۱۰} که مهم ترین اثر او *مقتل الحسین ابو مخنف* است.

۳. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۵؛ قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۱۹؛ الرجال، ص ۲۵۹.

۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۰۲؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۱۲؛ الاعلام، ج ۵، ص ۲۴۵.

۵. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۱۹.

۶. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۵.

۷. الفصول المهمة فی معرفة الائمة، ص ۱۹۹؛ الشیعة وفنون الاسلام، ص ۹۱.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۰۱، ج ۹، ص ۵۸۱؛ تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۲۱۰؛ الجرح والتعديل، ج ۷، ص ۱۸۲؛ الاعلام، ج ۵، ص ۲۴۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۰؛ معالم العلماء، ص ۱۲۸؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۳۳؛ الرجال، ص ۱۵۷؛ نقد الرجال، ج ۴، ص ۷۵؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۳؛ الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۲۸۶؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۵۶۶؛

معجم الرجال، ج ۱۵، ص ۱۴۰؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۱۲؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۳.

۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ کتاب الاربعین، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۵.

۱۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۰؛ معجم الرجال، ج ۱۵، ص ۱۴۱؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۰۵؛ معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۱۵۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۰۴؛ الشیعة وفنون الاسلام، ص ۹۱؛ دراسات فی علم الدرایة، ص ۲۳۴.

مقتل الحسین علیه السلام

ابو مخنف صاحب یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین آثار در خصوص امام حسین - علیه السلام - است که به روش محدثان آن را نقل کرده است. شخصیت‌های مهمی نظیر ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال^{۱۱} و شیخ مفید در الارشاد،^{۱۲} از آن تأثیر پذیرفته‌اند و برخی با تأثیرپذیری کمتری، از ایشان پیروی کرده‌اند؛ از جمله این افراد: ابن اعثم^{۱۳} خوارزمی در مقتل الحسین - علیه السلام -^{۱۴} و ابن طاووس در اللهوف فی قتلی الطفوف هستند.^{۱۵} افراد دیگری نیز با اتکای کمتری از او پیروی کرده‌اند.^{۱۶} این مقتل در ضمن تاریخ الطبری به عنوان قدیمی‌ترین منبع و به طور مسند ذکر شده است و مبنای تحقیق این مقاله نقل طبری است.

مقتل منسوب به ابو مخنف

علاوه بر مقتل ابو مخنف در تاریخ طبری، مقتلی وجود دارد که منسوب به ابو مخنف است و چه بسا شهرت محتوای آن به مراتب بیش از مقتل ابو مخنف در تاریخ طبری باشد. نسخه‌های خطی این مقتل مجعول غالباً مربوط به سال‌های ۱۲۰۰ به بعد است^{۱۷} و شیخ عباس قمی پس از معرفی ابو مخنف و اثر منسوب به ایشان می‌گوید:

بدان که ابو مخنف کتاب‌های بسیاری در زمینه تاریخ و سیره دارد... اما مقتلی که به نام او در اختیار ما است، اثر او نیست و نویسنده آن نامشخص است.^{۱۸}

محسن امین نیز اظهار نظر مشابهی دارد.^{۱۹} علاوه بر این خطاهای فاحشی در این اثر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱۱. الاخبار الطوال، ص ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۷۹.
۱۲. الارشاد، ص ۱۲۲-۲۳.
۱۳. الفتح، ج ۵، ص ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۶۶.....
۱۴. مقتل الحسین، ج ۲، ص ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۱.....
۱۵. اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۲، ۴۴، ۴۹.....
۱۶. ابن سعد، ترجمه الامام الحسین (ع)، ص ۶۵، ۶۹؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۸۶؛ مقاتل الطالبیین، ص ۷۴؛ الامالی، ص ۲۱۹؛ روضة الواعظین، ص ۱۸۲.
۱۷. وقفه عند کتاب: مقتل الحسین (ع) لأبی مخنف، ص ۵۱-۵۰.
۱۸. الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۹. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۴.

الف. خطاهای رجالی، مانند:

(۱) نقل ابو مخنف از هشام بن محمد: در ابتدای کتاب سندی به چشم می خورد که در آن ابو مخنف از هشام بن محمد بن سائب کلبی نقل روایت می کند^{۲۰} در حالی که هشام شاگرد ابو مخنف است^{۲۱} و همواره از ابو مخنف اخذ حدیث می کند و عکس آن تا به حال در منابع علمی دیده نشده است.

(۲) نقل روایت ابو مخنف از کلینی: ^{۲۲} با توجه به این که ابو مخنف (م ۱۵۷ ق) بر کلینی تقدّم زمانی ای بیش از یک قرن دارد، نمی تواند ابو مخنف از کلینی (م ۳۲۹ ق) روایت کرده باشد.

ب. خطاهای محتوایی، از جمله در این مقتل آمده است:

(۱) حسین - علیه السلام - هنگامی که به کربلا رسید اسب او متوقف شد و با وجود سعی و تلاش فراوان، از جای خود حرکت نکرد و هفت اسب عوض کرد ولی هیچ کدام از جای خود تکان نخوردند. آن گاه ایشان از اسب پیاده شدند و گفتند...^{۲۳} چنین خبری در منابع دیده نشده و مقتل مورد بحث در نقل این خبر منفرد است.

(۲) خبر خروج امام حسین - علیه السلام - از مکه به مدینه پس از شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل.^{۲۴}

(۳) روایت ملحق شدن حر: تصویر ارائه شده از امام حسین - علیه السلام - در شأن او نیست. در این اثر آمده است:

امام حسین - علیه السلام - هنگامی که دید تمام یاران و اصحابش کشته شده اند به سختی و بلند شروع به گریه کرد آنگاه فریاد برآورد آیا کسی نیست که به داد ما برسد آیا کسی نیست که به کمک ما بیاید. در این هنگام این سخن به گوش حر رسید و بر او اثر گذاشت.^{۲۵}

این خبر به صراحت با سایر اخباری که نحوه ملحق شدن حر به امام را گزارش می کند

۲۰. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت و اصحابه فی کربلاء، ص ۵.

۲۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

۲۲. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت و اصحابه فی کربلاء، ص ۱۲.

۲۳. همان، ص ۷۵.

۲۴. همان، ص ۶۱.

۲۵. همان، ص ۱۱۷.

در تعارض است.^{۲۶} در سایر روایات حر داوطلبانه و پیش از آغاز درگیری به امام حسین - علیه السلام - می پیوندد.

۴) توصیف نحوه شهید شدن امام حسین - علیه السلام - و طلب آب از شمر، شمر به او می گوید:

از آب نخواهی خورد تا این که مرگ را جرعه جرعه با شکنجه و اندوه بنوشی.

آنگاه امام - علیه السلام - شمر را قسم داد که روپوش را از صورت خود بردارد. شمر روپوش را برداشت و امام - علیه السلام - دید که او پیسی کوراست و پوز سگ دارد و مویی مانند خوکان. آن گاه گفت: جدم رسول خدا - صلی الله علیه و آله - راست گفت. شمر به او گفت: جدت چه گفته بود وی گفت: شنیدم که جدم به پدرم گفت: یا علی این پسر تو را کسی که پیس و کوراست می کشد...^{۲۷} چنین خبری در هیچ یک از منابع وارد نشده است.

ج. تصحیف در نام شخصیت

موارد تصحیف در این اثر بسیار است. به عنوان نمونه در خبری که مطابق سایر منابع وارد شده، اباعبدالله - علیه السلام - ابن حوزة را نفرین می کند،^{۲۸} در مقتل مورد بحث نام ابن حوزة به جبیره کلبی تحریف یافته است.^{۲۹}

مقتل اصلی ابو مخنف

مقتل الحسین - علیه السلام - اثر اصلی ابو مخنف دارای امتیازات متعدد سندی و متنی فراوانی است. در ادامه به بررسی این اثر بر اساس نقل طبری پرداخته می شود.

بررسی مقتل ابو مخنف

مقتل ابو مخنف مجموعه ای مهم و تاثیرگذار بر تفکر شیعی است. امتیازات مقتل ابو مخنف بر دانشمندان گذشته پنهان نبود. به طور کلی این اثر را می توان به دو صورت بررسی کرد: متنی و سندی. در ادامه به تحلیل متنی مقتل ابو مخنف خواهیم پرداخت.

۲۶. الامالی، ص ۲۲۳؛ اخبار الطوال، ص ۲۵۳؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۱؛ الارشاد، ص ۹۹.

۲۷. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت و اصحابه فی کربلاء، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۲۸. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۲؛ الفتوح، ج ۵، ص ۹۶؛ الاعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۶۲.

۲۹. مقتل الحسین و مصرع اهل بیت و اصحابه فی کربلاء، ص ۱۰۰.

(۱) تحلیل متنی مقتل ابو مخنف

به سبب تقدم این اثر، نمی‌توان آن را با آثار پیش از خود مورد مقایسه قرار داد. به همین دلیل، مقتل ابو مخنف را از وجوه مختلف با آثار موازی خود مورد بررسی قرار می‌دهیم. منظور از آثار موازی، مجموعه‌هایی است که در ۵ قرن اول هجری در خصوص واقعه عاشورا نوشته شده‌اند. علاوه بر روش مقایسه، مقتل ابو مخنف به صورت درون متنی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

مقایسه با آثار موازی

مقتل ابو مخنف با آثار موازی آن، نظیر ترجمه امام الحسین - علیه السلام -، بخشی از کتاب *الطبقات* ابن سعد (م ۱۶۸ ق)، روایت عمار دهنی از امام باقر - علیه السلام - در تاریخ الطبری، الفتوح ابن اعثم (م ۳۱۴ ق)، *الاخبار الطوال* ابو حنیفه دینوری (م ۲۸۲ ق)، الامامة و السياسة ابن قتیبه (م ۳۲۲ ق) مورد مقایسه قرار گرفته است. در این بخش بیشتر به بررسی ویژگی‌های منفی متداول در متون موازی پرداخته می‌شود و خالی بودن مقتل ابو مخنف از این ویژگی‌ها حاکی از برتری این اثر بر اقران خود است.

تسلط بر دو جنبه کلی‌نگری و جزئی‌نگری

طبری هنگام روایت واقعه عاشورا از ابو مخنف، می‌گوید:

روایت ابو مخنف نسبت به روایت عمار دهنی روایتی تام و تمام است.^{۳۰}

با مطالعه دقیق مقتل ابو مخنف، به این نتیجه خواهیم رسید.

ابو مخنف با نقل مفصل روایات و رعایت ترتیب زمانی، کلیات واقعه را با استحکام ترسیم کرده است. نقل روایات رسیدن خبر مرگ معاویه تا حرکت امام به سوی عراق،^{۳۱} نامه نگاری کوفیان... تا به شهادت رسیدن امام حسین - علیه السلام - به طور متوالی و مفصل نقل شده است.^{۳۲} این روش تا انتها ادامه دارد که همین تفصیل و توالی در نقل روایات، منجر به وحدت موضوعی اثر شده است؛ هر چند که این عملکرد در روایت وقایع شام با ضعف همراه است.

علاوه بر اشراف به مباحث کلی، جزئیات نیز به خوبی منعکس شده‌اند. جزئی‌نگری او

۳۰. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۰.

۳۱. همان، ج ۴، ص ۲۹۴-۳۷۴.

۳۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۰-۲۸۶.

منجر به ایجاد تصاویر منفصل در ذهن مخاطب نمی شود؛^{۳۳} به عنوان نمونه، به هنگام روایت مقتل قاسم بن حسن - علیه السلام - کلیات به خوبی ترسیم و جزئیات ارزشمندی ارائه شده اند. او نقل می کند:

پسری سوی ما آمد که گویی چهره اش پاره ماه بود، شمشیری به دست داشت و پیراهن و تنبان به تن داشت و نعلینی به پا، که بند یکی از آن پاره بود. هر چه را فراموش کنم، این را فراموش نمی کنم که بند چپ بود.^{۳۴}

توصیف ظاهر قاسم بن حسن با هدف شرح واقعه بوده است. به همین علت، تصویر منسجمی در ذهن مخاطب ایجاد می کند.

با مقایسه این اثر با مقاتل معاصر خود، اهمیت کلی نگری و جزئی نگری بجا بهتر تبیین می شود؛ به عنوان نمونه، در مقتل ابن سعد جزئی نگری بیمارگونه ای دیده می شود که برآمده از روش طبقات نگاری بوده است. این موارد غالباً مربوط به توصیف جزئیاتی نظیر ذکر کیفیت موی سر و خضاب آن،^{۳۵} توصیف نوع پوشاک،^{۳۶} نوع انگشتر و نقش آن^{۳۷} رنگ و نوع عمامه است^{۳۸} که این تفصیل نسبت به شهرت فرد کم یا زیاد می شوند.

چنین روالی در ترجمه امام حسین - علیه السلام - نیز منعکس شده است. ابن سعد در مقتل خود هیجده روایت را تنها به پوشیدن لباس خز و خضاب کردن امام اختصاص می دهد،^{۳۹} اما به هنگام نقل وقایع مربوط به ظهر عاشورا، تنها نه روایت را برای شرح حوادث ظهر عاشورا اختصاص می دهد.^{۴۰}

عدم غرض ورزی

غرض ورزی در نقل تاریخ یک خط قرمز به شمار می آید. این امر پیش از تدوین رسمی تاریخ، در اسلام مورد توجه بوده است. آنها می دانستند که تنها می توانند دست

۳۳. الخوارج والشیعة، ص ۱۱۳.

۳۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۴.

۳۵. طبقات الکبری، ج ۱، ۴۳۲، ۴۳۹؛ ج ۳، ص ۲۱۱؛ ج ۵، ص ۳۲۲.

۳۶. همان، ج ۴، ص ۳۳۴.

۳۷. همان، ج ۱، ص ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴؛ ج ۳، ص ۳۰، ۱۴۳، ۲۱۱، ۲۲۰؛ ج ۴، ص ۱۷۶.

۳۸. همان، ج ۱، ص ۴۵۲، ۴۵۵؛ ج ۳، ص ۲۹، ۲۰۱؛ ج ۴، ص ۱۱۳، ۲۷۶.

۳۹. ترجمه الامام الحسین (ع)، ص ۴۱ - ۴۴.

۴۰. همان، ص ۷۲ - ۷۵.

به تضعیف یا تقویت یک خبر بزنند.^{۴۱} به همین علت، طبری در ابتدای تاریخ خود می‌گوید:

بیننده کتاب ما بداند که بنای من در آنچه آورده‌ام و گفته‌ام، بنا بر قول راویان بوده است، نه حجت عقول و استنباط نفوس...^{۴۲}

برخی از متقدمین، برخلاف طبری هنگام نقل، با القای نظر شخصی از اعتبار اثر خود کم می‌کنند؛ به عنوان مثال، ابن سعد در آغاز نقل واقعه عاشورا تصریح کرده است که فقط حاصل سخن را نقل می‌کند؛ بدون این که مشخص کند کدام مطلب از کدام راوی است.^{۴۳} ضمناً هنگام نقل خبر هفت بار گزارش را قطع می‌کند و با عبارت «رجع الحدیث الی اوله» گزارش خود را ادامه می‌دهد.^{۴۴} قطع خبر حکایت از این دارد که ابن سعد مرتباً به ابراز عقیده می‌پردازد.

علاوه برسند، در متن نیز غرض ورزی وجود دارد. او بیان می‌کند که خروج امام حسین - علیه السلام - اشتباه بود و پیامد آن بدیهی و واکنش حکومت وقت کاملاً طبیعی است.^{۴۵} همچنین در روایت ورود عبید الله بن زیاد به کوفه، مردم کوفه با عبارت «فلما رأته السفله» توصیف شده‌اند که بیان‌گر سایه افکندن تحلیل ابن سعد بر سر مقتل است.^{۴۶} در مقابل، روایت ابو مخنف، مسند و در متن درج، توضیح و سوگیری دیده نمی‌شود.

عدم افسانه سرایی

در سراسر گزارش ابو مخنف اثری از افسانه سرایی وجود ندارد. در مقایسه با برخی از متون موازی نظیر الفتوح ابن اعثم (۳۱۴ ق) این حقیقت آشکار می‌شود؛ به عنوان مثال، دو مورد از این روایات بررسی می‌شوند.

۱. به نقل از ابن عباس آورده است:

(نزد پیامبر بودم) که جبرئیل را با گروهی از فرشتگان نزد پیامبر دیدم؛ در حالی

۴۱. نشاءة علم التاريخ عند العرب، ج ۱، ص ۲۰.

۴۲. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۵.

۴۳. ترجمه الامام الحسین، ص ۵۳.

۴۴. همان، ص ۵۵، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۹۲.

۴۵. همان، ص ۵۷.

۴۶. همان، ص ۶۵.

که بال های خود را گسترانیده بودند و اندوهناک بر امام حسین - علیه السلام - گریه می کردند...^{۴۷}

۲. وقتی حسین - علیه السلام - یک ساله شد، دوازده فرشته یکی به صورت شیر و یکی به صورت گاو و دیگری به صورت دیو و چهارمی به صورت فرزند آدم و هشت تای دیگر به اشکال و صورت های دیگر - که چهره های آنها سرخ رنگ بود - بر پیامبر نازل شدند و خبر شهادت حسین - علیه السلام - را به او گفتند و خبر دادند...^{۴۸}

قالب این سخن قصه سرایی و محتوای آن افسانه است؛ زیرا در روایت او فرشتگان به صورت حیوانات وحشی و اهلی ترسیم شده اند. علاوه بر این که معلوم نیست راوی چگونه فهمیده است که مجموعه حیوانات در حضور پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرشته هستند؟ همچنین در گزارشی که ابن عباس ادعای رؤیت جبرئیل را کرده، این پرسش مطرح می شود که آیا ابن عباس واقعاً توانایی دیدن فرشته وحی و سایر فرشتگان را دارد؟ نظیر چنین روایاتی در مقتل ابو مخنف دیده نشده است.

عدم وجود معارض در گزارش های قطعی

با مقایسه خبر ارسال نامه یزید به استاندار مدینه در آثاری مانند *الاخبار الطوال*، اثر ابو حنیفه دینوری و روایت طبری از عمار دهنی، بی دقتی نگارنده در نقل اخبار معارض تاریخ قطعی قابل ملاحظه است. در خبر ارسال نامه یزید به ولید بن عتبه استاندار مدینه و سایر استانداران مهم بلاد اسلامی، نظیر نعمان بن بشیر مواردی ملاحظه می شود که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد:

ابو مخنف در روایت دستور یزید به استاندار مدینه می گوید که از عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر و امام حسین - علیه السلام - بیعت بگیرد.^{۴۹}

۱. در روایت ابو حنیفه دینوری (م ۲۸۲ ق) غالب روایت برگرفته از اثر ابو مخنف است، ولی نکته قابل ملاحظه آن است که در روایت ابو حنیفه، یزید به ولید بن عتبه دستور می دهد از عبد الرحمن بن ابو بکر نیز بیعت بگیرد.^{۵۰} این در حالی است که عبد الرحمن بن ابو بکر - که مخالف جانشینی یزید و تبدیل خلافت به سلطنت بود - پیش از فوت

۴۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۳.

۴۸. همان، ج ۴، ص ۳۲۴.

۴۹. همان، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۵۲.

۵۰. الاخبار الطوال، ص ۲۷۷.

معاویه از دنیا رفته بود.^{۵۱}

۲. روایت عمار دهنی (ق ۱): ایشان نحوه ارسال نامه و دستور گرفتن بیعت از امام حسین - علیه السلام - و نقش بنی امیه را شرح نمی دهد. روایت عمار دهنی به این صورت است:

به ابوجعفر گفتم: قتل حسین - علیه السلام - را چنان به من بگو که گویی خود حاضر بوده ام. گفت: معاویه مُرد و ولید بن عتبه والی مدینه بود. پس کسی را به سوی حسین - علیه السلام - فرستاد تا از او بیعت بگیرد. آن حضرت - علیه السلام - گفت: با من مدارا کن و مهلت بده. ولید قبول کرد. آن گاه ایشان به مکه رفت و در آن جا نامه های کوفیان برای او آمد.^{۵۲}

هیچ یک این خبر را نقل نکرده اند که این حاکی از اهمیت ندادن به این خبر است.

دقت در ضبط اسامی

در الامامة والسیاسة ابن قتیبه (م ۲۱۳ق) مشاهده شده که نام عمرو بن سعید، عمرو بن سعید ضبط شده است؛^{۵۳} در حالی که عمرو بن سعید اشدق (م ۷۰ق) یکی از امرای اموی است که حاکم مکه در حدود سال ۶۰ق، بود.^{۵۴} چنین بی دقتی هایی در اثر ابو مخنف دیده نمی شود.

۲) تحلیل درون متنی

با بررسی متن مقتل ابو مخنف برخی از ویژگی ها و توانایی های این اثر مورد ملاحظه قرار می گیرند. این ویژگی ها تبیین کننده نوع بیان ابو مخنف و عوامل منسجم کننده آن است. در این بخش اغلب به داشته های مقتل اشاره می شود.

بیان غیر داستانی

زبان ابو مخنف در بیان حوادث، واقع گرا و غیر داستانی است.^{۵۵} در مقایسه مقتل مجعول ابو مخنف و مقتل موجود در تاریخ الطبری، عنصر داستان سرایی را می توان ملاحظه

۵۱. الاعلام، ج ۳، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۵۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۵۸-۲۵۷.

۵۳. الامامة والسیاسة، ج ۲، ص ۴.

۵۴. الاعلام، ج ۵، ص ۷۸.

۵۵. الخوارج والشیعة، ص ۱۱۳-۱۱۴.

کرد. بسیاری از روایات ابو مخنف در تاریخ الطبری، در مقتل مجعول نیز دیده می شود، ولی جاعل با اضافه کردن عناصر داستانی، متن را جذاب کرده است.

بیان داستانی نحوه ای از بیان است که در آن نویسنده بخشی از واقعیت را - که خیال انگیزتر است - انتخاب می کند. سپس به آن بعدی فلسفی یا حتی ادبی می دهد و هر یک از این ابعاد مورد گزینش را در جای خود به کار می برد؛^{۵۶}

به عنوان نمونه، شرح اوضاع میدان جنگ در بامداد عاشورا مورد مقایسه قرار می گیرد:

در بامداد روز عاشورا، پیش از ظهر تنها راه چیره شدن بر سپاه امام حسین - علیه السلام - سوزاندن خیمه ها بود که ظاهراً این عملکرد کار سپاه دشمن را سخت تر می کرد. شمر در این احوال با نیزه، خیمه امام حسین - علیه السلام - را هدف قرار می دهد که این کار منجر به ترساندن زنان خاندان پیامبر می شود. سپس شمر تقاضای آتش کرد تا خیمه امام حسین - علیه السلام - را بسوزاند. در این هنگام برخی از افراد مانند شبث بن ربعی، به شمر اعتراض کردند و گفتند: کارت به جایی رسیده که زنان را می ترسانی. با این سخن شمر از سوزاندن خیمه منصرف می شود.^{۵۷}

با مقایسه این سخنان با آنچه که در مقتل مجعول آمده، داستانی شدن این روایت را می توان ملاحظه کرد. جاعل از قول ابو مخنف نقل می کند که شمر قصد دارد خیمه امام حسین - علیه السلام - را بسوزاند، اما تفصیلی که او در بیان این روایت استفاده کرده، باعث شده تفصیل روایت افزایش پیدا بکند. در این روایت آمده است:

شمر از یارانش می خواهد به او آتش بدهند تا خیمه ظالمان را بسوزاند. در این هنگام یاران امام - علیه السلام - به او حمله می کنند و او را از خیمه دور می کنند. آن گاه امام فریاد زد: وای بر تو ای شمر! آیا می خواهی خیمه رسول الله را آتش بزنی. شمر گفت: آری. امام آن گاه گفت: خداوندا، برای تو سخت نیست که شمر را در روز قیامت در آتش بیفکنی. در این هنگام شمر خشمگین شد و دستور حمله داد و دو سپاه با یکدیگر درگیر شدند.^{۵۸}

نکاتی که در مقتل مجعول منجر به داستانی شدن روایت ابو مخنف شده است،

۵۶. الادب و فنونه، ص ۱۰۱.

۵۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۴.

۵۸. مقتل الحسین و مصراع اهل بیت و اصحابه فی کربلاء، ص ۱۰۰-۱۰۱.

عبارت اند از: خطاب شدن اهل بیت با عنوان ظالمان، دعا کردن امام حسین همراه با بزرگ نمایی، اضافه کردن یک پیکار به متن.^{۵۹} مضاف بر این که با گرفتن بیان تاریخی از روایت، برخی از نکات مفید روایت ابو مخنف از بین رفته است؛ مواردی مانند: بیان نشدن شدت جنگ، اشاره نکردن به برخی از تاکتیک‌های جنگی، نظیر این که چگونه با سوزاندن خیمه‌ها باز هم دست کوفیان به اهل بیت نمی‌رسد. اما در روایت مجعول با عبارت «دعوهم فانهم لم یصلوا الیکم» بحث فیصله داده شده است و در نتیجه تاکتیک جنگی از دید خواننده پنهان مانده است.

ذکر جزئیات مفید

جزئیات غیرمستقیم و روشنگر، مانند:

۱. گزارش ابو مخنف در خصوص ارسال دو نامه توسط یزید به ولید: در نامه اول - که مفصل است - خبر مرگ معاویه و در نامه دوم - که مانند گوش موش کوچک بود (کأنه أذن فأره) - دستور اکید بر بیعت‌گیری از مردان برجسته مدینه ثبت شده است. این روایت بیان‌گر این است که نامه اول برای ابلاغ عمومی و نامه دوم دستور بیعت‌گیری از مردان برجسته است که به طور غیر مستقیم، فوری و سری بودن بیعت‌گیری از افراد مزبور را تبیین می‌کند.

۲. گزارش متن نامه‌های کوفیان: این متون معرفت‌جهت فکری گروه‌های موجود در کوفه سال ۶۱ هجری است.

الف) نامه اول: نویسنده آن تعدادی از شیعیان به سرکردگی سلیمان بن صرد و چند تن دیگر از جمله حبیب بن مظاهر است. در این نامه طولانی اخلاص شیعیان کوفه ملاحظه می‌شود.^{۶۰}

ب) نامه دوم که جنبه تأکیدی نسبت به نامه اول دارد و در آن شیعیان کوفه گفته‌اند: به حسین بن علی - علیه السلام - از شیعیان مؤمن و مسلمان او، اما بعد: مردم در انتظار تواند و دل با کسی جز تو ندارند، بشتاب، بشتاب، درود بر تو باد.^{۶۱}

ج) نامه سوم که از سوی اشراف کوفه است. متن این نامه کاملاً متفاوت است. در این

۵۹. همان.

۶۰. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۱-۲۶۲.

۶۱. همان، ج ۴، ص ۲۶۲.

نامه تملق نویسندگان دیده می‌شود. آنها در نامه خود می‌گویند:

اما بعد، همه جا سر سبز شده و میوه‌ها رسیده و چاه‌ها پر آب شده، اگر خواهی
بیا که سپاه تو آماده است و سلام بر تو باد.

ملاحظه می‌شود که بیان نامه بسیار ادبی و خالی از ارادت روحانی نویسندگان است.^{۶۲}
ابو مخنف با نقل متن نامه‌ها، به خواننده به طور غیر مستقیم می‌نمایاند که امام حسین
- علیه السلام - به نامه دوم پاسخ داده است. قراین موجود در نامه امام حسین بیان‌گر این
امر هستند. این قراین عبارت‌اند از:

۱. ارسال پاسخ نامه به دست سعید بن عبدالله حنفی و هانی بن هانی سبعی که
پیک‌های نامه دوم بودند.

۲. به کارگیری الفاظ مشابه متن نامه ارسالی توسط کوفیان. امام در نامه خود می‌نویسد:
«بسم الله الرحمن الرحيم من حسين بن علي - عليه السلام - الى الملا من المؤمنين
والمسلمين» که کاملاً مشابه متن نامه دوم است و حاکی از اضطرار و اصرار شیعیان
کوفه است.

جزئیات مسنجم کننده اثر

ابومخنف به هنگام توصیف محفل کوفیان در حضور مسلم، سخنان عابس بن شبيب
شاکری را نقل می‌کند. با قرار دادن سخنان عابس در کوفه و در روز عاشورا در کنار یکدیگر،
خواننده این نکته را به وضوح ملاحظه می‌کند که سیاق بیان هر دو عبارت به یک نحو
است و هر دو متن مبین مرام عابس بن شبيب هستند.

این تشابه سیاق، عامل انسجام اثر است. عابس در کوفه می‌گوید:

اما بعد، من تو را از کار دیگران خبر نمی‌دهم و نمی‌دانم در دل چه دارند و از
جانب آنها وعده فریبنده نمی‌دهم. به خدا از چیزی که درباره آن تصمیم
گرفته‌ام سخن می‌کنم! وقتی دعوت کنید، می‌پذیرم، همراه شما با دشمنان
می‌جنگم و با شمشیر از شما دفاع می‌کنم تا به پیشگاه خدا روم و از این کار جز
ثواب خدا چیزی نمی‌خواهم.^{۶۳}

و در روز عاشورا خطاب به امام حسین - علیه السلام - می‌فرماید:

۶۲. همان.

۶۳. همان، ج ۴، ص ۲۶۴.

ای ابو عبد الله، به خدا بر پشت زمین از نزدیک و دور کسی را عزیزتر و محبوب‌تر از تو ندارم. اگر می‌توانستم با چیزی عزیزتر از جانم و خونم ظلم و کشته شدن را از تو بردارم، برمی‌داشتم. ای ابو عبد الله، درود بر تو، شهادت می‌دهم که بر هدایت تو و پدرت هستم.^{۶۴}

صدرو ذیل بیانات نقل شده از عابس با یکدیگر همخوانی دارد و مخاطب از این طریق احساس عابس را دریافت می‌کند.

تحلیل سند مقتل ابو مخنف

تحلیل سند مقتل ابو مخنف بیش از تحلیل متن، مورد توجه اهل فن بوده است. به همین دلیل، آثار متعددی حول آن فراهم آمده است و هر یک از آنها روش مستقلی را برای بررسی اسناد ابو مخنف در پیش گرفته‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به آثاری نظیر: *وقعة الطف*، اثر محمد هادی یوسفی غروی و *مقتل الحسین*، اثر حسین غفاری اشاره کرد. در ادامه به تحلیل اسناد مقتل ابو مخنف براساس معیار محدثان خواهیم پرداخت.

رجال ضعیف

۱. عقبه بن ابی عیزار که از او به یک طریق دو خبر نقل شده است.^{۶۵} او، عامی مذهب و از اهالی کوفه و ضعیف است.^{۶۶}
۲. حجاج بن علی بارقی همدانی که خبر اجتماع کوفیان، ارسال نامه به امام حسین - علیه السلام - و خطبه عبید الله پس از دستگیری هانی را از محمد بن بشر همدانی نقل می‌کند.^{۶۷} به مجهول بودن این فرد تصریح شده است^{۶۸} و مجهول بودن فرد، او را داخل در رجال ضعیف می‌کند.
۳. فضیل بن خدیج^{۶۹} که او را مجهول الحال شمرده‌اند.^{۷۰} وی اخبار ملحق شدن یزید

۶۴. همان، ج ۴، ص ۳۳۷-۳۳۸.

۶۵. همان، ج ۴، ص ۳۰۴، ۳۰۵-۳۰۶.

۶۶. قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۶۸؛ *الوضاعون و احادیثهم*، ص ۳۰۱.

۶۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۱، ۲۷۵.

۶۸. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۶۳؛ *الجرح والتعديل*، ج ۳، ص ۱۶۴.

۶۹. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۰-۳۲۱، ۳۳۹-۳۴۰.

۷۰. *الجرح والتعديل*، ج ۷، ص ۷۲.

بن زیاد به امام حسین^{۷۱} و شرح آرایش سیاسی کوفیان در برابر امام حسین - علیه السلام - را روایت کرده است.^{۷۲}

۴. نمر (نمیر) بن وعله،^{۷۳} نام او در فهرست مجاهیل است.^{۷۴}

۵. نضر بن صالح بن حبیب بن زهیر عبسی،^{۷۵} تنها ابومخنف از او روایت کرده و رجالیان او را مجهول خوانده‌اند.^{۷۶} در فواصل اثر، از ابوزهیر عبسی با عنوان نضر بن صالح یاد شده است که با توجه به قراین، یکی بودن شخصیت آنها آشکار می‌شود.^{۷۷}

۶. ابوجناب یحیی بن ابی جیه و داعی کلبی (م. ۱۵۰ق)^{۷۸} که از سه طریق ذیل نقل می‌کند:

الف) به طور مرسل، اخبار سرکوب شورش مسلم بن عقیل در کوفه،^{۷۹} گزارش عبیدالله به یزید،^{۸۰} تهدید شدن عمر سعد توسط عبیدالله بن زیاد (همو) حضور عبدالله بن عمیر کلبی و همسر او ام وهب در روز عاشورا است.^{۸۱} هر چند که این اسم در سلسله روایت عبدالله بن عمیر بدون لقب آمده و محققان تصریح کرده‌اند که او همسر ام وهب است.^{۸۲}

ب) با دو واسطه: از عدی بن حرملة، از عبدالله بن سلیم و مذری بن مشمعل، دو مرد اسدی حاضر در وقایع که مکالمه زبیر و امام - علیه السلام -،^{۸۳} ملاقات با فرزدق،^{۸۴} ملاقات با دو مرد اسدی،^{۸۵} سخنان امام در شهادت مسلم^{۸۶} و توقف کاروان ابا عبد الله

۷۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۹.

۷۲. همان، ج ۴، ص ۳۲۱-۳۳۹، ص ۳۴۰.

۷۳. همان، ج ۴، ص ۲۶۴، ۲۷۲، ۳۳۳-۳۳۴، ۳۳۸-۳۳۹.

۷۴. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۷۳.

۷۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۱، ۳۳۰، ۳۴۸.

۷۶. میزان الاعتدال، ج ۸، ص ۴۷۷.

۷۷. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۶۶، ص ۳۳۰.

۷۸. همان، ج ۴، ص ۲۷۶-۲۷۷، ۲۸۵-۲۸۶، ۲۸۸-۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۱۲-۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۴-۳۲۶، ۳۲۷-۳۲۶.

۷۹. همان، ج ۴، ص ۲۷۶-۲۷۷.

۸۰. همان، ج ۴، ص ۳۱۴.

۸۱. همان، ج ۴، ص ۳۲۶-۳۲۷.

۸۲. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۴۸.

۸۳. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۸۴. همان، ج ۴، ص ۲۹۰.

۸۵. همان، ج ۴، ص ۲۹۹.

۸۶. همان، ج ۴، ص ۳۰۰.

- علیه السلام - توسط حر را در سرزمین عراق نقل می‌کند.^{۸۷}
 (ج) هانی بن ثابت حضرمی، از حاضران در واقعه بود و روایت ملاقات امام با عمر بن سعد را نقل می‌کند.^{۸۸}

(د) عدی بن حرمه که پیوستن حر به امام را نقل می‌کند.^{۸۹}
 علمای علم رجال ابو جناب یحیی بن ابی حیه کلبی را صدوق شناخته‌اند؛ هر چند که گاهی به نام ثقات تدلیس می‌کرد.^{۹۰} طریق این روایات ضعیف است؛ هر چند که آنها با اختلاف اندکی در منابع دیگر وارد شده‌اند.^{۹۱}

۷. یکی از دوستان ابو مخنف^{۹۲} که به سبب ناشناس بودن فرد، طریق مجهول شناخته می‌شود. این شخص از ابو خالد کاهلی روایت می‌کند. این امکان وجود دارد که نام این شخص از کاهلی به کابلی تصحیف شده باشد. اگر چنین امری صحت داشته باشد، ظاهراً او وردان، ابو خالد کابلی از یاران مقرب علی بن الحسین - علیه السلام - خواهد بود.^{۹۳}

۸. هشام بن ولید، رسلاً رسیدن خبر شهادت امام حسین - علیه السلام - را به محمد بن حنفیه نقل می‌کند.^{۹۴}

۹. شخصی به نام سوید که نحوه کشته شدن ابن حوزه را نقل می‌کند.^{۹۵}

۱۰. ابو علی انصاری،^{۹۶}

۱۱. ثابت بن هبیره،^{۹۷}

۱۲. حسن (یا حسین) بن عقبه مردادی،^{۹۸}

۸۷. همان، ج ۴، ص ۳۰۱-۳۰۲.
 ۸۸. همان، ج ۴، ص ۳۱۲-۳۱۳.
 ۸۹. همان، ج ۴، ص ۳۲۴-۳۲۶.
 ۹۰. معجم الرجال والحديث، ج ۱، ص ۲۴۶؛ الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۳۹۸؛ الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۱۳۹.
 ۹۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۶۵.
 ۹۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۱.
 ۹۳. خلاصة الاقوال، ص ۲۸۷.
 ۹۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۷.
 ۹۵. همان، ج ۴، ص ۳۲۸.
 ۹۶. همان، ج ۴، ص ۳۰۱-۳۰۰.
 ۹۷. همان، ج ۴، ص ۳۳۰.
 ۹۸. همان، ج ۴، ص ۲۷۲، ۳۳۱-۳۳۲.

۱۳. زهیر بن عبد الرحمن بن زهیر خثعمی،^{۹۹}
۱۴. حجاج بن عمار بن عبد یغوث باری^{۱۰۰} که در روایت خود امام را در چند قدمی گودال قتلگاه توصیف می کند.
۱۵. حسین ابو جعفر،^{۱۰۱} روایت نفرین امام بر ابن حوزة را روایت می کند.
۱۶. محمد بن قیس،^{۱۰۲}
۱۷. جمیل بن مرثد،^{۱۰۳} وی از طرماع بن عدی - که از یاران امام حسین - علیه السلام - است - روایت می کند.^{۱۰۴} جمیل بن مرثد جزئیات ملاقات طرماع با امام حسین - علیه السلام - را نقل می کند. او در این روایت اشاره می کند که طرماع در ملاقات با امام حسین - علیه السلام - به او وعده می دهد که پس از گذاشتن متاع تجاری خود به وی ملحق شود. وقتی طرماع به کربلا می رسد، خاندان اهل بیت به شهادت رسیده بودند.^{۱۰۵}
۱۸. دلهم بنت عمرو،^{۱۰۶} نام دلهم همسر زهیر بن قین در برخی از منابع به صورت دیلم بنت عمرو ضبط شده است.^{۱۰۷} زهیر از یاران امام حسین - علیه السلام - است که در واقعه عاشورا به دست عبد الله شعبی و مهاجر بن اوس کشته شد.^{۱۰۸} همسر او گزارش نحوه ملحق شدن زهیر به امام حسین - علیه السلام - را با جزئیاتی مفید نقل می کند.^{۱۰۹}
۱۹. سلیمان بن ابی راشد،^{۱۱۰} وی بیشتر روایات خود را (حدود نه روایت) از حمید بن مسلم نقل می کند که از شخصیت های مهم در نقل واقعه عاشورا به شمار می آید. علاوه بر حمید بن مسلم، از عبد الرحمن بن عبید ابی الکنود،^{۱۱۱} عبد الله بن سلیم و منذری بن

۹۹. همان، ج ۴، ص ۳۴۰-۳۴۶.

۱۰۰. همان، ج ۴، ص ۳۴۵.

۱۰۱. همان، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۰۲. همان، ج ۴، ص ۲۹۷، ۳۳۵-۳۳۸.

۱۰۳. همان، ص ۳۰۶، ۳۰۷.

۱۰۴. نقد الرجال، ج ۱، ص ۴۳۲.

۱۰۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۷.

۱۰۶. همان، ج ۴، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۱۰۷. مشیر الاحزان، ص ۳۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۱؛ اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۴۴.

۱۰۸. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۶.

۱۰۹. همان، ج ۴، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۱۱۰. همان، ج ۴، ص ۲۷۷، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۶، ۳۳۴-۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۱-۳۴۲، ۳۴۴-۳۴۵، ۳۴۷-۳۴۸، ۳۴۹،

۳۵۰، ۳۵۷.

۱۱۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۷.

مشمعل اسدی^{۱۱۲} و عبد الله بن حازم^{۱۱۳} روایت کرده که این افراد به سبب حضور در واقعه از اهمیت بسیاری برخوردارند.^{۱۱۴}

۲۰. سعید بن مدرک،^{۱۱۵} او از پدر بزرگش عماره بن عقبه - که در واقعه دستگیری و شهادت مسلم بن عقیل، حضور داشت - نقل می‌کند.^{۱۱۶} لازم به ذکر است که در سند ابو مخنف، سعید بن مدرک بن عماره بن عقبه آمده که ظاهراً درست آن سعید بن مدرک عن عماره بن عقبه است.

۲۱. عبدالرحمن بن جندب^{۱۱۷} از اصحاب علی - علیه السلام - و از شرکت کنندگان در جنگ صفین است. برخی از دانشمندان او را در رجال شیخ نام برده‌اند.^{۱۱۸} ایشان به دو طریق نقل روایت کرده‌اند:

۱. خبر ندامت کعب بن جابر را مرسلأ روایت می‌کند.^{۱۱۹}

۲. روایت عدم پذیرش شروط عمر بن سعد، خواب دیدن حسین بن علی - علیه السلام - در مسیر قصر بنی مقاتل،^{۱۲۰} روایت شروط امام برای پذیرش صلح^{۱۲۱} و جزئیات خروج از مدینه به سوی مکه را از عقبه بن سمعان أخذ کرده است.^{۱۲۲} در روایت خروج از مدینه، عقبه به زیبایی اشاره می‌کند که امام حسین - علیه السلام - از راه جاده اصلی مدینه را ترک کرد و مانند عبدالله بن زبیر از بیراهه حرکت نکرد.^{۱۲۳} عقبه غلام رباب، همسر امام حسین - علیه السلام - است.^{۱۲۴} وی در روایت عدم پذیرش شروط عمر بن سعد متذکر می‌شود که از وقایع عاشورا اطلاع دقیقی دارد و ملازم امام حسین - علیه السلام - از زمان خروج مدینه تا روز شهادت او بودم و تاکنون از او مصلحت اندیشی یا تغییر

۱۱۲. همان، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱-۳۰۲.

۱۱۳. همان، ج ۴، ص ۲۷۷.

۱۱۴. الخوارج والشیعه، ص ۱۴۲.

۱۱۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۱۱۶. همان، ج ۴، ص ۲۸۱، ۲۸۲.

۱۱۷. همان، ج ۴، ص ۲۶۰، ۳۰۸-۳۰۹، ۳۱۳، ۳۳۰.

۱۱۸. نقد الرجال، ج ۳، ص ۴۵.

۱۱۹. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۰.

۱۲۰. همان، ج ۴، ص ۳۰۸-۳۰۹.

۱۲۱. همان، ج ۴، ص ۳۱۳.

۱۲۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۰.

۱۲۳. همان.

۱۲۴. همان، ج ۴، ص ۳۴۷.

موضوعی ندیدم.^{۱۲۵}

۲۲. عبدالله بن عاصم فائسی،^{۱۲۶} او از طریق ضحاک بن عبدالله مُشَرَقی (نام روستایی در یمن) نقل روایت می‌کند. او در ظهر عاشورا پس از اذن ابا عبد الله - علیه السلام - و برداشتن یک اسب از میان کارزار می‌گریزد. سواران سپاه عمر سعد او را تعقیب می‌کنند، اما از آنجا که در میان سپاهیان عمر سعد، عبد الله شعبی قاتل زهیر بن قین، از آشنایان او بود، توانست زنده بماند.^{۱۲۷}

۲۳. علی بن حنظله بن أسعد شبامی،^{۱۲۸} از یاران حسین - علیه السلام - است که در میدان نبرد با سپاه عمر سعد در رجز خوانی خود از آیات قرآنی، به زیبایی بهره برد و پس از پیکار به شهادت رسید.^{۱۲۹} در زیارت ناحیه و رجبیه نام او آمده است.^{۱۳۰} کثیر بن عبد الله شعبی این روایت را از علی بن حنظله نقل کرده که ترجمه‌ای برای او مشاهده نشد. با توجه به روایت ابو مخنف، نام برده یکی از خویشاوندان حنظله بن اسعد است.^{۱۳۱} همچنین با توجه به این که راوی واقعه یکی از شهدای عاشورا شمرده شده است، در این روایت یا اسناد آن باید تأمل کرد.

۲۴. مُعلی بن کلب همدانی،^{۱۳۲} او از جبر بن نوف، ابو الوداک همدانی نقل روایت کرده است. ابو الوداک، صدوق است.^{۱۳۳} نام او در فهرست یاران علی - علیه السلام - به چشم می‌خورد.^{۱۳۴} با توجه به روایت ابو مخنف، ابو الوداک در لشکر عمر بن سعد حضور داشته، ولی از پیکار با سپاه حسین - علیه السلام - انزجار داشته و دیگران را از جنگ با ایشان منصرف می‌نمود.^{۱۳۵}

۲۵. فردی به نام ابو صالح که از غلام عبد الرحمن بن عبدربه نقل می‌کند.^{۱۳۶}

۱۲۵. همان، ج ۴، ص ۳۱۳.

۱۲۶. همان، ج ۴، ص ۳۱۷ دوخبر، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱-۳۲۳، ۳۳۹.

۱۲۷. معالم المدرستین، ج ۳، ص ۹۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۸.

۱۲۸. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۱۲۹. همان، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۳۰. معجم الرجال، ج ۷، ص ۳۲۱.

۱۳۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۳.

۱۳۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۷-۲۶۹.

۱۳۳. معجم الرجال، ج ۴، ص ۵۸۴؛ میزان الاعتدال، ص ۵۳.

۱۳۴. نقد الرجال، ج ۲، ص ۳۹۹.

۱۳۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۳.

۱۳۶. همان، ج ۴، ص ۳۲۱.

غلام عبد الرحمن و ابو صالح هر دو ناشناس هستند.

۲۶. فردی از قبیله بنی لوزان که روایت نصیحت کردن حسین - علیه السلام - را نقل می کند. این نصیحت توسط یکی از عموزادگان امام - علیه السلام - انجام شده و در آن از امام می خواهد که به عراق نرود.^{۱۳۷}

۲۷. عباس جدلی.^{۱۳۸}

افراد بالا، یا ترجمه ای به طور کلی برای آنها یافت نشد یا نزد رجالیان، نامشان ذکر نشده و مجهول هستند. به هر حال، مجهول بودن فرد، به خصوص نزد رجالیان، آنها را جزو رجال ضعیف می سازد.

۲۸. محمد بن عبد الرحمن که میان تعدادی رجل مجهول و ثقه مشترک است و دقیقاً معلوم نشد که کیست.

۲۹. عقبه بن بشیر اسدی.^{۱۳۹} او از یاران امام سجاد، باقر و صادق - علیهم السلام - است.^{۱۴۰} او روایت مقتل شیرخواره امام حسین - علیه السلام - را از امام باقر - علیه السلام - نقل می کند. تصریحی به ثقه بودنش نشده است.

رجال موثق

رجال توثیق شده عبارت اند از:

۱. امام صادق - علیه السلام -، ابو مخنف رفتار سپاه عمر سعد با بدن مبارک حسین - علیه السلام - را از ایشان نقل می کند.^{۱۴۱}
۲. ابو المخارق راسبی^{۱۴۲} توثیق شده است،^{۱۴۳} هر چند برخی تصریح کرده اند که ابو المخارق در نقل از عمر ثقه است.^{۱۴۴}
۳. ابو سعید عقیصی^{۱۴۵} که از اصحاب امام حسین - علیه السلام - و از مردان مورد

۱۳۷. همان، ج ۴، ص ۳۰۱.

۱۳۸. همان، ج ۴، ص ۲۶۷، ۲۷۵.

۱۳۹. همان، ج ۴، ص ۳۴۲.

۱۴۰. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۵۹؛ معجم الرجال، ج ۱۱، ص ۱۶۵؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۰۵؛ مستدرکات علم

الرجال، ج ۵، ص ۲۴۶.

۱۴۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۶.

۱۴۲. همان، ج ۴، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۱۴۳. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۷۹.

۱۴۴. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۷، ص ۸۲.

۱۴۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۹.

- وثوق علی - علیه السلام - و عادل است.^{۱۴۶}
۴. ابو حمزه ثمالی^{۱۴۷} دینار بن ثابت بن صفیه و مورد وثوق.^{۱۴۸} او از قاسم بن بخیت روایت تازیانه زدن بر لب های امام حسین - علیه السلام - را نقل می کند؛^{۱۴۹} هر چند برای قاسم بن بخیت ترجمه ای مشاهده نشده است.
۵. اسماعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریمه سدی (م ۱۲۷ق) که از مردی از بنی فزاره نقل می کند. سدی از ثقات و مفسران قرآن است.^{۱۵۰}
۶. جعفر بن حدیفه طایی،^{۱۵۱} وی به همراه علی - علیه السلام - در جنگ صفین حضور داشت. ابن حبان نام او را در ثقات وارد کرد؛^{۱۵۲} هر چند که برخی نام او را در فهرست مجاهیل آورده اند.^{۱۵۳}
۷. حارث بن حصیره^{۱۵۴} که توثیق شده است.^{۱۵۵} او از شخصیت هایی نظیر عبدالله بن شریک عامری - که از موثقان به شمار می آید - نقل می کند^{۱۵۶} و عبدالله بن شریک عامری نیز از امام سجاد - علیه السلام - تمام ناقلان این سلسله سند مورد مدح قرار گرفته اند.
۸. حارث بن کعب والبی،^{۱۵۸} از وی در کتب رجال شیعه با نام حرب بن کعب ازدی یاد کرده اند که از یاران علی بن حسین - علیه السلام - است.^{۱۵۹} احتمالاً حارث تحریف شده حراست. وی ناقل اخبار از افرادی نظیر، غلام رباب^{۱۶۰} امام سجاد - علیه السلام -^{۱۶۱} و
۱۴۶. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۱۲؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۳۷۴؛ نقد الرجال، ج ۳، ص ۲۰۸.
۱۴۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.
۱۴۸. رجال النجاشی، ص ۱۱۵.
۱۴۹. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.
۱۵۰. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۹۷.
۱۵۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۱.
۱۵۲. الثقات، ج ۴، ص ۱۰۵.
۱۵۳. الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۴۷۶؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۱۳.
۱۵۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۴، ۳۱۷.
۱۵۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۷۰.
۱۵۶. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۳.
۱۵۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۷.
۱۵۸. همان، ج ۴، ص ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۱۸ - ۳۱۹، ۳۵۳.
۱۵۹. معجم الرجال، ج ۵، ص ۱۷۸.
۱۶۰. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۹، ۳۱۳.
۱۶۱. همان، ج ۴، ص ۲۹۱.

فاطمه دختر علی - علیه السلام - است.^{۱۶۲} لازم به ذکر است که چند نقل از ایشان بدون ذکر عبارت «قال ابو مخنف» دیده می شود^{۱۶۳} که در جمله روایت ابو مخنف محاسبه نشد.

۹. صقعب بن زهیر بن عبد الله بن سلیم از دی کوفی^{۱۶۴} که ثقة است.^{۱۶۵}
۱۰. ابو عثمان نُهدی^{۱۶۶} مردی زاهد، متقی و ثقة گفته شده است.^{۱۶۷}
۱۱. عبد الرحمن بن شریح بن عبید الله معافری (م ۱۶۷ق)^{۱۶۸} که از دانشمندان فاضل و ثقة قرن اول هجری بود.^{۱۶۹}
۱۲. عون ابو جحیفه وهب بن عبد الله سُوائی (م ۱۱۶ق)،^{۱۷۰} جد او ابو جحیفه معروف به وهب الخیر صحابی و از ملازمان علی - علیه السلام - است^{۱۷۱} او در شمار تابعان و از دانشمندان حاذق کوفه است.^{۱۷۲} لازم به ذکر است که طبری، نام عون را با تصحیف، عوف ذکر کرده است.
۱۳. عمرو بن عبد الرحمن بن حارث بن هشام مخزومی^{۱۷۳} که نامش در میان ثقات ذکر شده است.^{۱۷۴}
۱۴. قاسم بن عبد الرحمن شامی ابو عبد الرحمن دمشقی مولی آل ابی حرب اموی^{۱۷۵} که توثیق شده است.^{۱۷۶}
۱۵. عبد الملک نوفل بن مساحق بن عبد الله بن مخرمه عامری قرشی،^{۱۷۷} وی از اهالی

۱۶۲. همان، ج ۴، ص ۳۵۳.

۱۶۳. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۴.

۱۶۴. همان، ج ۴، ص ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۸۳ - ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۲۶، ۳۴۵، ۳۵۲.

۱۶۵. الثقات، ج ۶، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۶۳.

۱۶۶. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۶۵.

۱۶۷. تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

۱۶۸. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۷۴.

۱۶۹. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۷۳.

۱۷۰. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۳ - ۲۸۵، ۲۸۶.

۱۷۱. تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۲.

۱۷۲. المشاهیر، ص ۱۷۰؛ مسند ابوحنیفه، ص ۲۰۱.

۱۷۳. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۶.

۱۷۴. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۱۵.

۱۷۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۵۲.

۱۷۶. تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۹۰.

۱۷۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۵۳.

مدینه است و خبر عزم حسین - علیه السلام - بر خروج از مدینه و نحوه دخول امام حسین - علیه السلام - در مسجد نبی را نقل کرده است.^{۱۷۸} این خبر در منابع دیگر توسط زبیر بن بکار از ابو سعید مقبری نیز نقل شده است.^{۱۷۹} او نزد رجالیان مقبول است.^{۱۸۰}

۱۶. عمر بن خالد،^{۱۸۱} شخصی به این نام از شهدای واقعه عاشورا به شمار می آید.^{۱۸۲} به همین دلیل نمی توان این شخص را ناقل خبر دانست. از سویی دیگر، با توجه به نقل این فرد از زید بن علی به نظر می آید که وی «عمر بن خالد، ابو خالد قرشی مولی بنی هاشم کوفی» است که بیش از ۹۷ روایت را از زید بن علی روایت کرده است.^{۱۸۳} عمرو بن خالد از جمله مردان مورد وثوق شناخته شده است.^{۱۸۴}

۱۷. عمرو بن شعیب (م ۱۰۵ق)، وی سرنوشت بحر بن کعب را از محمد بن عبدالرحمن روایت می کند.^{۱۸۵} عمرو بن شعیب از بزرگان تابعی و از فقهای مدینه و صدوق بود.^{۱۸۶}

۱۸. عطاء بن سائب،^{۱۸۷} در ابتدا عامی مذهب بوده و سپس به مذهب تشیع گرایش پیدا نمود. از علی بن حسین - علیه السلام - اخذ حدیث کرد. بیشتر دانشمندان او را ثقه دانسته اند. وی در پایان عمر دچار خلط و تغییر شد.^{۱۸۸}

۱۹. عبد الجبار بن وائل کوفی ثقه است. از پدر و برادرش علقمه روایت نمی کند و قلیل الحدیث است.^{۱۸۹}

۲۰. مسروق بن وائل نیز از حاضران در واقعه عاشورا و برادر عبد الجبار بن وائل است. وی با گروهی از حضرموت و اسلم نزد پیامبر - صلی الله علیه و آله - اسلام آوردند^{۱۹۰} و در روز عاشورا قصد داشت با نشان دادن رشادت از عبید الله کسب جایزه کند که با دیدن

۱۷۸. همان، ج ۴، ص ۲۵۳.

۱۷۹. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۴۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۴.

۱۸۰. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۲۱.

۱۸۱. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۰.

۱۸۲. معجم الرجال، ج ۱۴، ص ۳۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۰.

۱۸۳. معجم الرجال، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

۱۸۴. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۹۸.

۱۸۵. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۵.

۱۸۶. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۸۴، ۷۳۷.

۱۸۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۸.

۱۸۸. معجم الرجال، ج ۴، ص ۱۵۹.

۱۸۹. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۱۲؛ العرج والتعدیل، ج ۶، ص ۳۰.

۱۹۰. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۵۳.

عاقبت شوم عبدالله بن حوزة دست از این کار کشید.^{۱۹۱} او در *مقتل ابومخنف* ناقل عاقبت عبدالله بن حوزة است.^{۱۹۲} معمولاً صحابه، مورد توثیق اهل سنت هستند.

۲۱. عمرو بن مره جملی^{۱۹۳} موثق است.^{۱۹۴} او یکی از چهار کوفی ای است که در نقل روایت او اختلاف و اشکالی نمی‌توان یافت.^{۱۹۵}

۲۲. مجالد بن سعید (م ۱۴۴ق)،^{۱۹۶} برخی او را توثیق کردند^{۱۹۷} و دسته دیگری از رجالیان او را ضعیف خوانده‌اند.^{۱۹۸} شاید علت این اختلاف نظر را بتوان در شیعه بودن مجالد یافت. رجالیانی که دست به تضعیف او زدند نیز به این نکته اشاره کردند.^{۱۹۹}

۲۳. صعق بن زهیر ازدی^{۲۰۰} ثقة شناخته شده است.^{۲۰۱}

۲۴. عامر بن شراحیل شعبی (م ۱۱۰ق)^{۲۰۲} از دانشمندان ثقة و فاضل قرن اول است.^{۲۰۳}

۲۵. یحیی بن هانی بن عروه^{۲۰۴} از بزرگان عرب و ثقة است.^{۲۰۵} این شخص فرزند هانی بن عروه، پناه دهنده مسلم بن عقیل نیست؛ چرا که فرزند هانی از یاران امام حسین - علیه السلام - بوده و در روز عاشورا به شهادت می‌رسد. به همین دلیل نمی‌تواند ناقل رجز خوانی نافع بن هلال باشد.^{۲۰۶}

۲۶. یوسف بن یزید،^{۲۰۷} وی از ثقات است.^{۲۰۸} او به دو طریق نقل روایت کرده است.

۱۹۱. مستدرکات علم الرجال، ج ۷، ص ۴۰۳.

۱۹۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۸.

۱۹۳. همان، ج ۴، ص ۳۲۱.

۱۹۴. معرفه الثقات، ج ۲، ص ۱۸۶.

۱۹۵. الجرح والتعديل، ج ۶، ص ۲۵۶-۲۵۷.

۱۹۶. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۷۲، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۵۰.

۱۹۷. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۳۸.

۱۹۸. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۰۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۷؛ المعجروحين، ج ۳، ص ۱۰.

۱۹۹. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۳۸.

۲۰۰. تاریخ الطبری، ص ۳۱۳.

۲۰۱. الثقات، ج ۶، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۴۲، شرح ص ۶۳.

۲۰۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۰۷.

۲۰۳. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲۰۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۱.

۲۰۵. الانساب، ج ۴، ص ۵۳۱.

۲۰۶. قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۸۴.

۲۰۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۷۵، ۳۲۸.

۲۰۸. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۳۷۷؛ الجرح والتعديل، ج ۹، ص ۲۳۵.

الف) روایت انقلاب مسلم بن عقیل در کوفه را از عبدالله بن حازم نقل می‌کند.^{۲۰۹}
 ب) روایت مباحله بریر با یزید بن معقل از طریق عقیف بن زهیر بن ابواخنس نقل شده است.^{۲۱۰}

۲۷. یونس (یوسف) بن ابی اسحاق (م ۱۷۵ق)^{۲۱۱} که از مشاهیر و دانشمندان به شمار می‌آید.^{۲۱۲} برخی نقل او را همراه با غفلت، سهل انگاری، کاهش و افزایش و برخی او را ثقه و به دور از عیوب فوق الذکر می‌دانند.^{۲۱۳} به نظر می‌آید او را به دلیل تشیع به این اتهامات متهم کرده باشند. وی ناقل اخبار محاصره دارالاماره توسط مسلم و متفرق شدن این محاصره است.^{۲۱۴}

نتیجه

مقتل ابو مخنف از جمله اولین آثاری است که در خصوص قیام عاشورا نگاشته شده است. این اثر دارای امتیازهای متعددی از جمله وجود سند راویان و محتوایی نزدیک به واقعیت و حقیقت که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. این اثر به لحاظ محتوا، نسبت به اقران خود به اصول علمی بیشتر پایبند بوده و به لحاظ سند کلاً دارای هفتاد سند مستقل بوده که یازده سند آن از طرق صحیح یا معتبر و مابقی ضعیف هستند. البته این ضعف اسناد، به معنای رد متن‌های آنها، تا وقتی قراین و شواهدی خارجی بر صحت یا احتمال صحت آنها دلالت کند، نیست.

همچنین سی روایت آن به سبب حضور راویان در واقعه، دارای ارزش تاریخی خاص هستند. در مقاتلی که در باره واقعه کربلا نگاشته شده چنین عملکردی کمتر قابل ملاحظه است.

کتابنامه

- الاخبار الطوال، احمد ابوحنیفه دینوری، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قاهره: داراحیاء الکتب

۲۰۹. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲۱۰. همان، ج ۴، ص ۳۲۸.

۲۱۱. همان، ج ۴، ص ۲۷۵ - ۲۷۶، ۲۹۷.

۲۱۲. المشاهیر، ص ۲۶۶.

۲۱۳. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۳۸۲.

۲۱۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۷۵ - ۲۷۶.

- العربي، چاپ اول، ۱۹۶۰م.
- اختيار معرفة الرجال، محمد كشي، تحقيق: مهدي رجائي، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۴.
- الادب وفنونه، اسماعيل عز الدين، دارالفكر العربي، بي تا، بي جا.
- الإرشاد، محمد مفيد، تحقيق: موسسه آل البيت، بيروت: دارالمفيد، چاپ دوم، ۱۹۹۳م.
- الاصابة، شهاب الدين ابن حجر، تحقيق: علي محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- اعلام الوری باعلام الهدی، ابوعلی طبرسی، تحقيق: موسسه آل البيت، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- الاعلام، خيرالدين زركلي، بيروت: دارالعلم للملایين، چاپ پنجم، ۱۹۸۰م.
- أعيان الشيعة، محسن امين، تحقيق: حسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، بي تا.
- الامالى، محمد صدوق، تحقيق: الدراسات الاسلاميه، قم: الدراسات الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- الامامة والسياسة، عبدالله ابن قتيبه، تحقيق: طه محمد الزيني، قاهره: موسسه الحلبي، بي تا.
- الانساب، عبدالكريم سمعاني، تحقيق: عبدالله عمر البارودي، لبنان: دارالجنان، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، بيروت: موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۹۸۳م.
- البداية والنهاية، اسماعيل ابن كثير، تحقيق: علي شيري، بيروت: داراحياء التراث عربي، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
- تاريخ ابن معين، يحيى ابن معين، تحقيق: عبدالله احمد حسن، بيروت: دارالقلم، بي تا.
- تاريخ الاسلام، شمس الدين ذهبي، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- تاريخ الامم والملوك، محمد طبري، تحقيق: جمعي از دانشمندان، بيروت: موسسه الاعلمي، چاپ چهارم، ۱۹۸۳م.
- تاريخ مدينة دمشق، علي ابن عساکر، تحقيق: علي شيري، لبنان: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
- ترجمة الامام الحسين - عليه السلام - محمد بن سعد، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- تقريب التهذيب، شهاب الدين ابن حجر، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، لبنان، چاپ

- دوم، ۱۴۱۵ق.
- تهذيب التهذيب، شهاب الدين ابن حجر، لبنان: دارالفكر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- تهذيب الكمال، جمال الدين مزى، تحقيق: بشار عواد، بيروت: الرسالة، چاپ سوم، ۱۹۸۸م.
- الثقات، محمد ابن حبان، هند: موسسه الكتب الثقافيه، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
- جامع الرواة، محمد على اردبيلى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۳ق.
- الجرح والتعديل، عبد الرحمن رازى، بيروت: داراحياء التراث العربى، چاپ اول، ۱۹۵۲م.
- خلاصة الأقوال، علامه حسن حلى، تحقيق: جواد قىومى، بى جا، موسسه نشر فقاهت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- الخوارج والشيعة، يوليوس وولهاوزن، ترجمه و تحقيق: عبد الرحمن بدوى، مصر: دارالجيل، چاپ پنجم، ۱۹۸۸م.
- دراسات فى علم الدراية، على اكبر غفارى، تهران: جامعه الامام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۶۹ش.
- الذريعة، محمد محسن آقا بزرگ طهرانى، بيروت: دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۹۸۳ق.
- رجال النجاشى، احمد نجاشى، تحقيق: جامعه المدرسين، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- الرجال، حسن بن داود حلى، تحقيق: محمد صادق آل بحر العلوم، مطبعة الحيدريه، ۱۳۹۲ق.
- سير أعلام النبلاء، شمس الدين ذهبى، تحقيق: شعيب الانووط، بيروت: موسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۹۹۳م.
- شرح الاخبار، نعمان مغربى، تحقيق: محمد حسيني، قم: موسسه جماعة مدرسين، بى تا.
- شرح نهج البلاغه، عبد الحميد ابن ابى الحديد، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، دار احياء الكتب العربيه، چاپ اول، ۱۹۵۹م.
- الشيعة وفنون الاسلام، سيد حسن صدر، بى جا، بى تا.
- الضعفاء الكبير، محمد عقيلى، محقق: عبد المعطى امين قلعي، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دارصادر، بى تا.
- طرائف المقال، على بروجردى، تحقيق: سيد مهدى رجايى، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

- الفتوح، احمد ابن اعثم، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- الفصول المهمة فى تأليف الأئمة، عبد الحسين شرف الدين موسى، مؤسسه بعثه، چاپ اول، بی تا.
- الفوائد الرجالية، محمد مهدى بحرالعلوم، تحقيق: حسين بحرالعلوم، تهران: مكتبه الصادق، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- الفهرست، ابن نديم محمد، تحقيق: رضا تجدد، بی تا، بی جا.
- الفهرست، محمد طوسى، تحقيق: جواد قیومى، نشر فقاهاه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- قاموس الرجال، محمد تقى تسترى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- الكامل فى التاريخ، عز الدين ابن اثير، بيروت: دارصادر، ۱۹۶۶م.
- كتاب الاربعين، محمد طاهر قمى شيرازى، تحقيق: مهدى رجایی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- الكنى واللقاب، عباس قمى، تحقيق: محمد هادى امينى، تهران: مكتبه الصدر، بی تا.
- لسان الميزان، شهاب الدين بن حجر، بيروت: مؤسسه الاعلمى، چاپ دوم، ۱۹۷۱م.
- اللهوف فى قتلى الطفوف، على بن طاووس، قم: انوار الهدى، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- مشير الاحزان، جعفر بن نما، نجف: مطبعه الحيدريه، ۱۹۵۰م.
- المجروحين، محمد بن حبان، تحقيق: محمود ابراهيم زايد، مکه: دار الباز، بی تا.
- مستدرکات علم الرجال، على نمازى شاهرودى، تهران: فرزند مولف، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- مسند ابوحنيفه، ابو نعيم اصفهاني، تحقيق: نظر محمد فاريابى، رياض: مكتبه الكوثر، چاپ اول، ۱۹۹۴م.
- مشاهير علماء الامصار، محمد بن حبان، تحقيق: مرزوق على ابراهيم، دارالوفاء، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- معالم العلماء، محمد على بن شهر آشوب، بی تا، بی جا.
- معالم المدرستين، مرتضى عسکرى، بيروت: مؤسسة النعمان، ۱۴۱۰ق.
- معجم الرجال والحديث، محمد حياة انصارى، بی تا، بی جا.
- معجم المؤلفين، عمر رضا كحاله، لبنان: دار احياء التراث العربى، بی تا.
- معجم رجال الحديث، ابو القاسم خويى، چاپ پنجم، بی جا، ۱۹۹۲م.
- معرفة الثقات، احمد عجلى، مكتبة الدار، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- مقاتل الطالبين، على ابوالفرج اصفهاني، تحقيق: كاظم مظفر، نجف: منشورات المكتبة الحيدريه، چاپ دوم، ۱۹۶۵م.

- مقتل الحسین و مصرع اهل بیتہ واصحابہ فی کربلاء، لوط بن یحیی ابو مخنف، قم: منشورات الرضی، چاپ دوم، بی تا.
- مقتل الحسین، ابو المؤید خوارزمی، محمد سماوی، قم: مکتبة المفید، بی تا.
- میزان الاعتدال، شمس الدین ذهبی، تحقیق: محمد علی بجاوی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۹۶۳ م.
- نشاءة علم التاریخ عند العرب، عبد العزیز دوری، مرکز دراسات الوحده العربیہ، ۲۰۰۵.
- نقد الرجال، مصطفی تفرشی، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- الوضاعون واحادیثهم، عبد الحسین امینی، تحقیق: رامی یوزبکی، الغدیر، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- «وقفه عند کتاب: مقتل الحسین - علیه السلام - لأبی مخنف»، هادی جبار سلوم، البلاغ، سال هفتم، جمادی الثانی، ۱۳۹۹، شماره ۶.

